

■ معصومه محرمی

وقایع ماه‌های اخیر در خاورمیانه، سخغن از ایجاد دالان زنگزور را به هنگام ساخته است. اینکه یاتیان اصلی این مسیر چه دولت‌هایی هستند؟ از سوی کدامین کانون‌ها حمایت می‌شوند؟ و از همه مهم‌تر پیامدهای این رویداد برای کشورمان چه خواهد بود، کلان محورهای این بررسی است. این مقولات در گفت‌ووشنود با دکتر رامین فرهودی، مدیر آندیشکده ترند بررسی شده‌اند. امید آن‌که علاقه‌مندان را، مفید و مقبول آید.

■■■■

سابقه تاریخی اقوامی که در سده اخیر ساکن منطقه قریباغ بودند، چیست؟

پاسخ به این سؤال از میانه تاریخ، آذهان عمومی را منحرف و ادعاهای ارضی و سیاسی را دامن می‌زند. لذا ضروری است تا قبل از پاسخ به این سؤال، با تاریخ قریه‌باغ آشنایی یابیم. منطقه قریه‌باغ قفقاز جنوبی را، باید قرینه جغرافیایی قریه‌داغ در منطقه ارسباران فلات ایران بدانیم. بسیاری از خانواده‌های آذربایجانی در دو سوی ارس، روابط خانوادگی خود با یکدیگر را مدیون اسکان در این دو اقلیم جغرافیایی هستند. لهجه‌های مردم ساکن در این دو بخش نیز نزدیک به هم و دارای علقه‌های فرهنگی و تاریخی مشترک بسیاری‌اند. این منطقه در دوران صفوی، یکی از بیگلر بیگی‌های ایران بود و ساکنان آن را، مسلمانان به مرکزیت شهر گنجه تشکیل می‌داد. نام قریه‌باغ بعد از اسلام به این منطقه – که دارای حدود ۲۵۰ روستا و هفت شهر بوده- داده شده است. پیش از اسلام، به این منطقه «داغلیق» (کوهستانی) در مقابل «ارن» (دشت و جلگه) گفته می‌شد و بیشتر منبعث از اسامی اقوام ساکن در این منطقه بود که داخل در امپراطوری آلبانی بودند. در گستره امپراطوری آلبانی آن زمان، ۲۶قوم با زبان‌های مختلف وجود داشت که اقوام ترک، اورارتویی و حتی ارمنی نیز در بین آنها بوده است. حمدالله مستوفی، نخستین جغرافی‌دانی است که نام «قریه‌باغ» را به این ولایت و نام «قره‌داغ» را به ولایت مجاور واقع در جنوب رود ارس با شهرهایی چون: اهر، کلبر، مشکین، دیزمار و آوزومدول به کار برده است. هر دو ی این ولایات پس از حاکمیت سلجوقی، از حیث سیستم اداری و کشوری وابسته به تبریز بوده‌اند که بعدها قریه‌باغ در دوران حاکمیت صفویه به نام بیگلربیگی با پایتختی گنجه در آمد.

تاریخ قریه‌باغ، دوره بیگلربیگی «پناه علی جوانشیر» را از سال ۱۷۴۸ میلادی، با مرکزیت حکومتی شهر شوشا به یاد دارد. اما تاریخ این منطقه در ادامه حکمرانی «ابراهیم خلیل خان»، با نفوذ کشیشی ارمنی به نام «عابدین عباس» از سوی تزار روس در دستگاه حکومتی وی، دستخوش تشنج‌های فراوان شد و سرانجام با خیانت و وطن‌فروشی ارمنه قریب خورده از سوی تزار روس، به‌رغم حمایت کامل دولت ایران از آنها، موجب شهادت «جوادخان کتجهرای» و وقوع جنگ‌های ایران و روس و جدایی خانات قفقاز از ایران شد. در طول این مدت شهر ایران دارا بارودن حوزه علمیه و مساجد متعدد، به یکی از کانون‌های اصلی فراگیری علوم اسلامی در قفقاز جنوبی تبدیل شده بود و هم‌اکنون مسجد کبود، در این شهر یادگار آن دوران، همچنان پابرجاست و نمادی از معماری ایرانی و اسلامی در قفقاز جنوبی به شمار می‌رود. این گستره فرهنگی و دینی، تا گرجستان به مرز کزیت تفلیس نیز گسترش یافته بود و هم‌اکنون یادگارهای ارزشمند شکوه دوران اسلامی، در این کشور نیز قابل‌نظاره است.

آیا تغییرات جمعیتی در این منطقه، بر اساس قومیت رخ داده است؟ اگر پاسخ مثبت است، به چه شکل و در چه زمانی و با چه اهدافی صورت گرفته است؟

پس از قراردادهای گلستان و ترکمانچای، روس‌ها اقدام به کوچاندن ارمنی‌های ایران به سمت سرزمین‌های تازه تصرف‌شده ایران و قریه‌باغ کردند. این امر پس از عقب‌نشینی روس‌ها در جریان جنگ‌های روس و عثمانی به سمت مناطق داخلی روسیه شدت گرفت و با لغت جمعیت قریه‌باغ و ایران را به فقر ارمنی‌ها تغییر داد. اما همچنان همزبستی مسالمت آمیزی بین مسلمانان و ارمنه وجود داشت. سیاست‌های استابن در طول حاکمیت بر اتحاد جماهیر شوروی، از عنصر برهم زدن ساختار جمععات قومیتی و ایجاد منازعات قومیتی در جمهوری‌های شوروی، برای فائق آمدن بر مطالبات جدایی طلبانه تبعیت می‌کرد. هر چند بنا به نظر جامعه بین‌الملل، قریه‌باغ بخشی از جمهوری آذربایجان شناخته می‌شد اما همین اقدامات استالینی موجب شد تا پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، آتش اختلافات کینه‌ارمنی و آذری – که بارها در شورای مرکزی حزب کمونیست مطرح و منجر به صدور رأی شده بود- شعله‌ور شده و ارمنه با ادعای مالکیت بر قریه‌باغ، ضمن همراهی نظامی روسیه، علیه جمهوری آذربایجان وارد جنگ شده و پس از کشتارهای مختلف علیه هم و رقم خوردن فجایع انسانی به ویژه در شهر خوجالی علیه مسلمانان، قریه‌باغ را با نام جدید جمهوری خودمختار آرتساخ، به عنوان یک واحد سیاسی مستقل به رسمیت بشناسند. شناسایی سیاسی این جمهوری خودخوانده، از سوی جمهوری ارمنستان انجام شد و واحدهای سیاسی بین‌الملل، از شناسایی دائمی و رسمی آن خودداری کردند. این اقدامات نظامی که با تصرف بخش‌های دیگری از جمهوری آذربایجان همراه بود، باعث آواره شدن ۸۰۰هزار انسان و کشته شدن ۵هزار نفر از منطقه قریه‌باغ شد!

در دوران اتحاد جماهیر شوروی، این مناطق جزء خاک شوروی بود. وضعیت مرزها و ترکیب جمعیتی آن، به چه شکل بوده است؟

در دوران شوروی سابق، ترکیب جمعیتی جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، ترکیبی ممزوج از اقوام آذری و ارمنی به همراه سایر اقوام نظیر کردسا، تالش‌ها، روس‌ها و سایرین بود. بسیاری از آذری‌های جمهوری آذربایجان، متولد شهر ایران و رایون‌های



«پروژه دالان زنگزور، منافع ترکیه و آذربایجان و نقش امریکا»

در گفت‌وشنود با دکتر رامین فرهودی

امریکا برای مقابله با ایران و روسیه ترکیه را به خدمت گرفته است

اوت ۱۹۸۸، مبنی بر باقی‌ماندن قریه‌باغ در ترکیب

جمهوری سوسیالیستی خودمختار آذربایجان بود که این نیز به مذاق ارمنه خوش نیامد و اوضاع متشنج‌تر شد! اما در این بین وقوع زلزله شدید اسپیتاک در هفتم دسامبر ۱۹۸۸ در ارمنستان، موجب توجه ارمنه دنیا به این منطقه و سرازیر شدن کمک‌های بشر دوستانه به سمت ارمنستان شد. این کمک‌ها بالغ بر ۸۰۰ میلیون دلار شدند که موجب تقویت روحیه همبستگی ملی ارمنه شد، اما در مقابل موجب تحریک سررویس امنیتی شوروی نیز شد و اعضای شورای قریه‌باغ دستگیر و روانه زندان شدند و تعداد کثیری از فعالان مسئله قریه‌باغ ارمنی نیز از مشاغل خود برکنار شدند.

طی اوت ۱۹۸۹ میلادی، کمیته قریه‌باغ، جنبش ملی ارمنیان را راه‌اندازی کرد و یکی از اصول اساسنامه‌اش: «استقلال و حاکمیت ملی در ارمنستان، تأکید بر حفظ زبان و کلیسای حواری ارمنی وحدت ملی و الحاق قریه‌باغ به ارمنستان و تلاش برای شناسایی نسل‌کشی ارمنیان» بود. مولود تأسیس این جنبش، ظهور افرادی نظیر آشوت ناواساردیان، روبرت کوچاریان، سرژ سارگسیان، وازگن سارکسیان و آندرانیک مارگاریان بودند که بعدها نقش اصلی را در تأسیس ارتش ملی ارمنستان و حزب جمهوریخواه



روسی‌ها در این شرایط چه سیاستی را برگزیدند؟ نتیجه این رویکرد، به کدامین شرایط انجامید؟

روس‌ها کوشیدند، تا با ارائه یک برنامه اقتصادی در مارس ۱۹۸۸ بر اعتراضات طرفین غالب نشوند اما به دلیل لزوم تغییرات مرزی که بعد از توافق مرزی ۱۹۲۳ نیازمند رضایت آذری‌ها بود، این طرح اجرایی نشد. بر اساس قرارداد مرزی ۱۹۲۳، منطقه قریه‌باغ به شرط داشتن خودمختاری و به دلیل داشتن نفوس زیاد ارمنی، تحت کنترل آذربایجان قرار می‌گرفت. کارشناسان تاریخ، اعطای این امتیاز به آذربایجان را ناشی از فشار استالین در حل این مشکل مرزی می‌دانند. اوضاع نابسامان این مناطق، دولت سوسیالیستی شوروی را بر آن داشت، تا اقدام به برکناری دبیران اول حزب کمونیست در ارمنستان و آذربایجان و انتصاب دبیران جدید حزب در این جمهوری‌ها نماید. در نهایت طی رأی روزهای ۱۳ و ۱۵ ژوئن ۱۹۸۸، شورای قریه‌باغ و پارلمان ارمنستان، منطقه قریه‌باغ کوهستانی با استناد به ماده ۷۰ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی که حق خودمختاری ملت‌ها و الحاق دواطلبانه آنها به هر یک از جمهوری‌ها را به رسمیت می‌شناخت، قریه‌باغ جزئی از ارمنستان اعلام شد و بلافاصله جمهوری آذربایجان با آن مخالفت نمود. دولت وقت شوروی وقتی ناتوان از کنترل اختلافات ارمنی و آذری شد، با ترتیب دادن یک دادگاه جنایی، سه نفر آذربایجانی را به دلیل دخالت در کشتار سومقائیت محاکمه و یک نفر از آنها را به اعدام محکوم کرد که موجب تحریک آذری‌ها و قیام آنان علیه حاکمیت کمونیستی شوروی با محوریت چهره‌های مذهبی و شعاری‌های اسلامی شد. این اعتراضات باعث صدور رأی ۱۸

گفت‌وگو

۸۸۵۲۳۰۶۰۷



دیداررجب‌طیب اردوغان باالهام علی‌اف

دلایل جمهوری موسوم به آذربایجان برای حمایت از پروژه زنگزور، در ابتدا ناشی از ترس تاریخی از روس‌ها و نگرانی از جانب آموزه‌های دولت ایران در تشکیل نظام اسلامی است که به مذاق مسئولان تربیت یافته در مکتب کمونیسم شوروی اصلاً خوش نمی‌آید. دولت جمهوری آذربایجان بر این باور است که برای دوام داشتن حکومت، باید از وابستگی به دو کشور قدرتمند شمالی و شمالی و جنوبی رها شوند! به همین منظور در ابتدای استقلال، همکاری‌هایی را با امریکایی‌ها آغاز کردند، اما نباید از نفوذ بریتانیا بر این جمهوری غافل شد

بیگ با ناخرسندی از اقدامات مقامات ایرانی و علاقه‌مندی به سمت ترکیه، کارشکنی‌هایی در روند مذاکرات صلح انجام می‌داد. با کم محلی دولت وقت جمهوری آذربایجان به مسئولان ایرانی و پس از ساقط شدن هواپیمای ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۲۶ اسفند ۱۳۷۲ – که حامل خانواده‌های کارکنان سفارت ایران در مسکو از سوی طرف ارمنی بود- ایران میانجیگری خود در پرونده را کاهش داد. نتیجه این اقدامات، از دست دادن ۲۰ درصد اراضی جمهوری آذربایجان بود. به نحوی که به اذعان الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان در جریان جنگ دوم قریه‌باغ، «وضعیت کنونی قریه‌باغ، میراث اقدامات جبهه خلق آذربایجان است.

در طول چند دهه گذشته و پس از اشغال منطقه قریه‌باغ از سوی ارمنستان، چه تغییرات جمعیتی رخ داده است؟

ارمنستان داشتند. در طرف مقابل نیز طی ژوئیه ۱۹۸۹، جبهه خلق آذربایجان با حضور افرادی نظیر اسکندر حمیدوف، ابوالفضل ایلچی‌بیگ، اعتبار محمودوف و چند نفر دیگر تأسیس شد. مجموع این واکنش‌ها، موجب قطع ارتباط راه‌آهن بین ارمنستان و آذربایجان، از طرف جبهه خلقی‌ها و بمب‌گذاری و قطع راه آه‌ن آذربایجان با نخجوان بود. تمام این اقدامات، مسئله قریه‌باغ را وارد فاز مسلحانه کرد. به این مسائل تصرف رادیو ارمنی باکو، پورش به محلات ارمنی نشین باکو و فرار ارمنه از باکو نیز اضافه شد. در نتیجه ارتش سرخ شوروی در ۱۹ ژانویه ۱۹۹۰، به سمت باکو روانه شد و در روز جمعه ۲۰ ژانویه با ورود به باکو، به سرکوب مخالفان پرداخته و حدود ۲۰۰ آذری را کشت! این روز در تقویم ملی جمهوری آذربایجان، «روز آزادی از یوغ ارمنی» نام دارد. این تحولات، ۷هزار نیروی ارتش شوروی به فرماندهی ژنرال سافانوف، در منطقه قریه‌باغ مستقر شدند. اباز مطلب اف، به عنوان دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان منصوب شد. با این حال اوضاع به هم ریخته در این دو جمهوری ادامه داشت، تا اینکه در ۳۰ اوت ۱۹۹۱ آذربایجان و در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ ارمنستان، رسماً اعلام استقلال کردند. در جریان این تحولات سیاسی، منطقه قریه‌باغ هم در دوم سپتامبر همان سال اعلام استقلال کرد. بر اثر این تنش‌ها، آذری‌ها مانع حرکت قطارها به سمت آذربایجان شدند و بر حجم بحران‌های فی‌مابین افزوده می‌شد. بوریس یلتسین و نورسلطان نظربایف رؤسای جمهور روسیه و قزاقستان، نخستین واکنش بین‌المللی به شرایط موجود را با صدور بیانیه ژل‌نووودسک، نشان دادند، اما با صدور بیانیه تأثیری بر رفتار طرف‌های درگیر مشاهده نشد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تحرکات پان ترکیستی که پیشتر از سوی مسوایتان در جمهوری آذربایجان بنیان گذاشته شده بود، مجال رشد یافت. جبهه خلق آذربایجان با رهبری ابوالفضل ایلچی بیگ، به این گرایشات قومیتی دامن زد و در تلاش برای نزدیک شدن به ترکیه برآمد. هر چند دولت وقت ترکیه هیچ کمک مادی به نفع جمهوری آذربایجان در جنگ اول قریه‌باغ ارائه نکرد اما پس از اتمام این جنگ، دولت ترکیه با هدف حضور دوباره در منطقه قفقاز جنوبی به عنوان بخشی از اراضی مورد علاقه دوران امپراطوری عثمانی، نفوذ فرهنگی و اقتصادی خود را با محوریت «دنیاوی بزرگ ترکان» گسترش داد. این دالایی محور شرق به زبانه هر دولت به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داد که ناشی از شرایط جغرافیایی قفقاز و اشتراکات فرهنگی اسلامی و ترکی است.

دلایل ترکیه در طرح و پیگیری دالان تورانی ناتو (زنگزور)، دسترسی به سواحل خزر و منابع انرژی آن، نفوذ فرهنگی در کشورهای ترک زبان منطقه و آسیای مرکزی، تبدیل شدن به ترمینال توزیع انرژی و این دالایی محور شرق به غرب است. این تمایلات، البته به دلایل ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) هم آغشته است. دولت ایالات متحده امریکا، برای تسلط داشتن بر دو کشور تاریخی دخیل بر تحولات قفقاز جنوبی یعنی ایران و روسیه و تأثیر بر همکاری‌های دو

۹۲۳۹ | روزنامه جوان | شماره ۲۲۳۹

طرفه آنان، بخشی از اقداماتش را از سوی ترکیه پیگیری می‌کند. دلایل جمهوری آذربایجان، در ابتدا ناشی از ترس تاریخی از روس‌ها و نگرانی از جانب آموزه‌های دولت اسلامی ایران در تشکیل حکومت اسلامی است که به مذاق مسئولان تربیت یافته در مکتب کمونیسم شوروی اصلاً خوش نمی‌آید. همکار یایی را با طرف استقامت از وابستگی به دو کشور قدرتمند شمالی و جنوبی خود رها شود. به همین منظور در ابتدای استقلال از شوروی، همکاری‌هایی را با طرف امریکایی آغاز کرد اما نباید از نفوذ بریتانیا بر این جمهوری غافل شد. آذری‌ها، در سیاست خود جرئت تاختن به امریکایی‌ها را ندارند اما هیچ وقت کلامی علیه انگلیسی‌ها بر زبان نمی‌آورند! از سوی دیگر شرایط ناپایدار سیاسی و نظامی جمهوری آذربایجان با ارمنستان، موجب گرایش این کشور به دولت ترکیه و دیگر دولت‌های فرامنطقه‌ای نظیر اسرائیل در زمینه‌های بین‌المللی، نظامی و امنیتی شد. همچنین علاقه‌مندی این دولت به داشتن وحدت سرزمینی با جمهوری خودمختار نخجوان و اتصال زمینی مستقل با ترکیه، تلاش‌های آن برای فشار بر گشایش این مسیر را افزایش داده است. خطوط ارتباطی ترانزیتی و انرژی سابق آذربایجان و ترکیه از گرجستان عبور می‌کند اما مشکلات مرزی این کشور با گرجستان نیز هنوز حل نشده باقیمانده است و نگرانی‌ها از احتمال بروز تنش در آینده، علاقه‌مندی به داشتن مسیری امن و تحت کنترل را افزایش می‌دهد.

باز بگران منطقه‌ای و بین‌المللی، در پیشبرد این پروژه چه کشورهایی هستند؟ و منافع آنها در بازگشایی این دالان چیست؟

بخشی از دلایل ترکیه در سؤال قبل پاسخ داده شد اما باید به دلایل فوق، رقابت منطقه‌ای این کشور با ایران را نیز افزود. ترک‌ها همیشه از جانب ایران و اقدامات اسلام‌گرایانه به و ویژه پس از ماجرای بهار عربی در حمایت از بنشار اسد و سرکوب داعش در سوریه، ناراحت بودند. ترک‌ها در در سر داشتن رؤیای عثمانی‌گرایی و احیای سیادت خود بر دنیای اسلام، همسایه شرقی و شیعی خود را رقیبی جدی در راه رؤیاپردازی‌هایشان دیده و می‌بینند. حمایت از گروه‌های تروریستی سوریه و تلاش بی‌وقفه‌شان برای سرنگونی دولت در سوریه، همان زخم کهنه‌ای بود که اساساً از فرصت مناسب سر باز کرد! البته این موضع ترک‌ها در زمان آتاترک، با تلاش برای مجاب کردن احمدشاه قاجار در فرانسه برای واگذاری آرات کوچک به ترکیه برای سرکوب ارمنه شورشی و ایجاد گذرگاه از طریق آن برای ورود به نخجوان و سپس دستیابی به آران و آذربایجان ایران، نشان از سابقه‌دار بودن راهبر این کشور در ترک‌گرایی (تسوران‌گرایی) دارد. مخالفت احمدشاه قاجار با این طرح، حمایت‌های آتاترک را به سمت رضا خان سوق داد و وی نیز در جبران این حمایت‌ها، آرات کوچک را به ترکیه واگذار کرد.

روس‌ها هم علاقه‌مند به راه‌اندازی این دالان هستند، چراکه شرایط تحریم‌های بین‌المللی علیه آنان در ماجرای اوکراین به گونه‌ای شده است که دولت روسیه ناگزیر از یافتن مسیری جدید برای گشودن دروازه‌های جدید تجاری با اروپاست. در این بین، ترکیه نقش آفرینی و میدان‌داری فعلی را در پیش گرفته است. این در حالیکه به هنوز تکلیف کردبور شمال – جنوب در سمت طرف ایرانی دچار مشکلات مابست و زمان بهره‌برداری از آن مشخص نشده است. گویی این کردبور برای دولت ایران اولویت اقتصادی ندارد! دالالات متحده و شرکای غربی آن ورژیم صهیونیستی نیز علاقه‌مند به گشایش این دالان هستند تا فشارهای اقتصادی و ژئوپلیتیک بر جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهند.

تأثیرات اقتصادی و امنیتی و سیاسی بازگشایی دالان زنگزور بر جمهوری اسلامی ایران چیست؟

در صورت افتتاح این کردبور، مرزهای شمال‌غربی کشور از باطل حال و نقل شرق به غرب تهی می‌شود و این برای اقتصاد کشور خوب نیست. علاوه بر این، افتتاح این کردبور به معنی ارتباط ترانزیتی نیست، بلکه تالش طرف آذری بر نظارت نکردن طرف ارمنی بر کالاهای عبوری این کشور از این مسیر، خطرات نظامی و امنیتی‌ای را متوجه ایران و ارمنستان می‌سازد که قابل نادیده برداشت نیستند. به این موضوع، تهدیدات مداوم دولت جمهوری آذربایجان مبنی بر بعید نبودن اقدام نظامی برای تصرف استان سیونیک ارمنستان را هم باید افزود که در صورت وقوع، ارتباط زمینی کشورمان با اروپا از طریق منطقه قفقاز را قطع می‌کند. مورد بعدی قدرت‌گیری ترکیه در پیاده‌سازی اهداف پان ترکیستی، در جدار مرزهای شمال‌غربی با ایران است. حمایت از جریان‌های ناسیونالیسته، تولید محتوای رسانه‌ای ماهواره‌ای برای تأثیر بر جامعه آذری‌های ایران به نام جامعه ترک زبان، حمایت‌های مختلف از شهروندان آذربایجانی ایران برای فراهم ساختن امکان تحصیل در دانشگاه‌های ترکیه به اسام ترک بودن، همه و همه زمینه‌ساز برنامه‌های خطرناک جدی برای دخالت در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران از سوی این همسایه است که باید با جدیت مد نظر مسئولان دستگاه‌های سیاسی، نظامی و امنیتی باشد.